



چگونه با مرگ انس بگیریم/ داستان عالم برجسته ای که در اواخر عمر به مرور اصول الدین می پرداخت

یک پژوهشگر دینی با اشاره به راهکارهای انس با مرگ تأکید کرد: انس با مرگ برخلاف آنچه تصور می شود انسان را افسرده و دلزده و مأیوس نمی کند، بلکه یاد مرگ به عنوان نقطه شروع معاد، انسان را به کار وامی دارد و هم به تفکر تشویق می کند و هم در زمینه ساختن خود و جامعه به تلاش بیشتر وامی دارد.

یک پژوهشگر دینی با اشاره به راهکارهای انس با مرگ تأکید کرد: انس با مرگ برخلاف آنچه تصور می شود انسان را افسرده و دلزده و مأیوس نمی کند، بلکه یاد مرگ به عنوان نقطه شروع معاد، انسان را به کار وامی دارد و هم به تفکر تشویق می کند و هم در زمینه ساختن خود و جامعه به تلاش بیشتر وامی دارد.

حجت الاسلام مرتضی وافی عضو شورای فرهنگی مسجد جمکران در گفتگو با خبرنگار مهر درباره آثار معادشناسی در کیفیت زندگی انسان به بیان خاطره ای پرداخت و گفت: مرحوم آیت الله مرتضی حائری یزدی- فرزند آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم بود و قریب به اتفاق مراجع فعلی شاگرد ایشان بودند- در خاطره ای نقل می کنند که یکبار وقتی خدمت پدر همسر- یعنی آیت الله عظمی حجت که عضو مراجع علی الاطلاق بودند- در اواخر عمرشان رسیدم، دیدم ایشان نشسته اند و اصول الدین را با خود واگویی می کنند. به ایشان گفتم حاج آقا شما مرجع و عالم هستید چرا این مطلب را بیان می کنید؟ اما ایشان فرمودند که شما لحظه های مرگ و سكرات و سختی های مرگ را نمی دانی و می ترسم از اینکه اعتقاداتم یادم برود و نتوانم بیان کنم برای همین آن را تکرار می کنم. ایشان اینطور بودند و خوف فراموشی داشتند چه برسد به ما. ما گمان می کنیم آدمهایی که از لحاظ علمی و عملی بالا هستند دیگر خیالشان راحت هست در حالیکه اتفاقاً آنها به دلیل معرفتشان نسبت به مرگ و معاد همت و دغدغه شان برای آمادگی این لحظات بیشتر است.

مدیر دفتر توسعه فعالیت های مهدوی تأکید کرد: معاد یک اصل عقیدتی است که در اسلام به هیچ وجه نمی توان از راه تقلید بدان رسید و باید از روی تحقیق و اندیشه و تأمل به این اصل اعتقادی- کاربردی در زندگی دست یافت. معاد اسم زمان و مکان از ماده «عود» به معنی بازگشت است و البته در اصطلاح به معنی «دوباره زنده شدن انسان» است. واژه معاد تنها یکبار در قرآن آمده است، در آیه 85 سوره قصص «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأَاكَ إِلَى مَعَادٍ...» که معمولاً این آیه را در هنگام سفر پشت مسافر و یا در گوش مسافر می خوانند. در این آیه ظاهر کلمه «معاد» وعده بازگشت پیامبر(ص) به مکه بعد از هجرت به مدینه است. گرچه برخی از بزرگان به صورت اصطلاحی به معنای روز قیامت آن را تلقی کردند.

حجت الاسلام وافی افزود: البته از همین ماده «عود» آیات زیادی در قرآن وجود دارد که همین معنای اصطلاحی دوباره زنده شدن انسان و حیات ابدی را بیان می فرماید مثل آیه 27 سوره روم که می فرماید: وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ... و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می کند و باز آن را تجدید می نماید و این [کار] بر او آسانتر است.

وی با تأکید بر وجود روایاتی از ائمه معصوم درباره «معاد»، به فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه اشاره کرد و گفت: یکی از فرازهایی که حضرت کلمه «معاد» را در سخنان خویش بیان فرمودند اینجاست که می فرمایند: یکی از بدترین توشه هایی که فردای قیامت انسان با خود همراه می کند کینه توزی و دشمنی با بندگان خداست «يُتَسَّ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ الْعَذْوَانُ عَلَى الْعِيَادِ». «یا در نامه 45 نهج البلاغه حضرت در توصیف ویژگی های بندگان خدا می فرماید که: أَسْهَرَ عْيُونَهُمْ خَوْفُ مَعَادِهِمْ... ترس و خوف از قیامت و معاد، خواب را از چشمان اینها گرفته است.

وی معرفت به معاد را متفاوت از باور به معاد خواند و گفت: گاهی ما ماجرای معاد را می دانیم اما این تبدیل به یقین و باور و اعتقاد نمی شود. حالا از کجا باید شروع کرد؟ اولین نقطه اعتقاد به معاد، یاد مرگ است. در واقع در روایات از «مرگ» به عنوان اولین پل ورودی به معاد یاد شده است. در روایات اسلامی مرگ برادر خواب توصیف شده است. مرگ همان خواب است منتهی انسان می رود و دیگر بر نمی گردد. پس مرگ به عنوان پلی برای ورود به دنیای جدید است و به تعبیر برخی از اساتید، مرگ راه تکامل و تداوم انسان است یعنی انسان به واسطه مرگ هم حیاتش ادامه پیدا می کند -اما به نحوی دیگر از زندگی دنیوی- و هم تکامل پیدا می کند که تکامل در عالم برزخ بحثی مفصل است.

این پژوهشگر دینی تصریح کرد: پیامبر(ص) در روایتی می فرماید کسی که یاد مرگ است جزو زیرکترین آدمهاست. بر این اساس چند تا کار کاربردی را به استناد روایات بیان می کنم برای کسانی که معتقد به مرگ هستند و می خواهند به عنوان نقطه شروع معاد به آن بنگرند و با آن انس بگیرند و به نوعی از مرگ نترسند چه کار باید بکنند. اولین نکته اینکه اگر کسی می خواهد نسبت به مرگ انس پیدا کند و آماده شود یک حساسیت نسبت به گذشت عمر و از دست رفتن فرصتها باید داشته باشد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) در این باره می فرمایند: لِقُرْصَةِ تَمَرٍ مَرَّ السَّحَابِ... یعنی فرصت ها را غنیمت بشمارید که مثل ابر می گذرند. این حساسیت نسبت به گذشت عمر، انسان را برای مرگ آماده می کند حتی در روایتی از حضرت امیر(ع) است که می فرماید: ساعتی از روزگار تو نمی گذرد مگر با پاره ای از عمرت. یعنی انسان باید نسبت به گذر عمرش و از دست رفتن فرصتها حساس باشد.

حجت الاسلام وافی افزود: دومین نکته کاربردی در این زمینه، آمادگی برای مرگ ناگهانی است. اینکه انسان احساس کند که

مرگ از قبل خبر نمی‌کند. در روایتی است که حضرت می‌فرماید برای مرگ آماده شو برای اینکه یک دفعه مرگ سراغت نیاید و تو بهت زده بمانی. حتی در دعای چهلم صحیفه سجادیه حضرت می‌فرماید: ونصب الموت بین ایدینا... خدایا مرگ را (به مانند تابلویی) در مقابل ما نصب کن. راه‌های آمادگی برای اقبال به مرگ بحث جدی است که حضرت امیر(ع) در کلامی می‌فرماید: به استقبال مرگ‌هایتان بروید به واسطه اعمالتان. اعتقاد به اینکه مرگ به یکباره سراغ آدمی می‌آید، به نظرم مطلبی است که خیلی انسان را آماده مرگ می‌کند.

وی یادآور شد: نکته دیگر برای شروع ورود به معاد بحث سبک باری است. اینکه انسان سعی کند حق الله و حق الناس برگردن نداشته باشد و اینکه در دستورات دینی ما بر مراقبه و محاسبه تأکید شده است برای آمادگی ورود به عالم مرگ است تا انسان سبک‌بار باشد. کسی که بارش از حق الله و حق الناس سنگین است، سخت با جریان مرگ روبرو می‌شود. چهارمین راهکار انس با مرگ، دل‌نبستن به دنیا است. در روایات داریم که «انما الدنيا دارالمجاز» دنیا محل عبور است و مثل مسافرخانه است که انسان به آن اتاق و جهاز دل نمی‌بندد. در روایات داریم که شما برای دنیا خلق نشدید بلکه دنیا برای شما خلق شده است و شما برای غیردنیا خلق شده‌اید.

عضو شورای فرهنگی مسجد جمکران تأکید کرد: قرآن در آیات مختلف نسبت به دل‌نبستن به دنیا تصریح دارد. در سوره مؤمنون می‌فرماید «قلوبهم وجهه...» یعنی دل‌هایشان جای دیگر بند است و به دنیا بند نیست. حتی امام باقر(ع) می‌فرماید: «لامعصیتک حب البقا» یعنی: هیچ گناهی به مانند این نیست که انسان دوست داشته باشد که همیشه بماند. البته این روایات به این معنی نیست که انسان برنامه‌های زندگی‌اش را رها کند حتی فرمودند به گونه‌ای زندگی کنید که گویی همیشه در دنیا بیدار، اما این سخن از این باب است که انسان از خدا غافل نشود.

وی رفتن به سراغ اعمال صالح را یکی دیگر از راه‌های انس با مرگ خواند و گفت: در سوره کهف خداوند می‌فرماید که «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» کسی که به معاد باور دارد یکی از نتایج این اعتقادش این است که به سراغ عمل صالح برود و در این عمل صالحش هم شرک نداشته باشد یعنی اهل ریا نباشد. در روایات عمل صالح به دو معنی است یکی عبادت خدا و دیگری خدمت به مردم که ما آن را به حق الله و حق الناس تعبیر کردیم. این عمل صالح هرچه سنگین‌تر باشد بهتر است. اگر کسی عمل صالح کم بردارد جزو خاسرین در قیامت است لذا انسان تا می‌تواند باید این توشه و عمل صالحش را بالا ببرد که مصداقش عبادت و خدمت به مردم است.

حجت الاسلام وافی افزود: آخرین مورد تقویت باورهاست. به قول اساتیدمان شب اول قبر سؤالات فلسفی نمی‌پرسند بلکه سؤالات آسانی می‌پرسند؛ اینکه خدایت کیست، کتابت چیست، پیامبر کیست، عمرت را در چه راهی گذراندی و جوانیت را در چه راهی خرج کردی. آن چیزی که مهم است اینکه در آن لحظات اگر باورها و اعتقادات انسان در وجود آدمی رسوخ نکرده باشد، در آن سختی و غربت و شدت انسان فراموش می‌کند لذا یکی از راهکارها برای انس با مرگ تقویت باورهای دینی است به ویژه بر روی همین سؤالات اولیه که توحید و خداشناسی و پیامبرشناسی و امام‌شناسی و دین‌شناسی و ... است.

وی تأکید کرد: برای اینکه معاد را به عنوان یک باور مؤثر در زندگی به رفتار تبدیل کنیم اول انس با مرگ باید داشت. انس با مرگ برخلاف آنچه تصور می‌شود انسان را افسرده و دلزده و مأیوس نمی‌کند بلکه یاد مرگ به عنوان نقطه شروع معاد، انسان را به کار وامی دارد و هم به تفکر تشویق می‌کند و هم در زمینه ساختن خود و هم جامعه خود به تلاش بیشتر وامی دارد. این پژوهشگر دینی در پاسخ به این سؤال که چرا حوزه‌ها و اندیشکده‌های دینی کمتر به تصویرسازی از بهشت و جهنم پرداخته‌اند؟ گفت: اتفاقاً در حوزه‌ها نسبت به مواد خام مفصل کار شده است. اما ما در تبدیل این مطالب به عنوان خوراک فرهنگی و رسانه‌ای بحث داریم یعنی نتوانستیم آن اعتقاد و باورها را که از متون دینی ما و از سیره بزرگان و اولیاء الهی ما و از تجربه‌های فردی و تاریخی و اجتماعی ماست به قالب‌های رسانه‌ای تبدیل کنیم تا در جامعه بتوانیم این مباحث اعتقادی را در باورها و در متن جامعه نفوذ بدهیم و این در مورد هر مسئله‌ای صدق می‌کند. یعنی اگر نتوانیم مفاهیم و پیام‌ها را مدیریت رسانه‌ای کنیم چگونه می‌توانیم زمینه‌های ترویجی و تبلیغی آن را در جامعه فراهم کنیم و این آسیب است. ما در حقیقت آن حرکتی که در حوزه‌ها و حتی دانشگاه‌ها نسبت به مسئله مرگ و معاد اتفاق افتاده و مواد خام بسیاری فراهم شده است را تبدیل به خوراک رسانه‌ای نکرده ایم و در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای ریخته نشده است تا بتوان زمینه‌های تبلیغ و ترویج درستش را در جامعه فراهم کنیم.